

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۱۷ نومبر ۲۰۲۱



یونس نگاه

مغور- (بیگانگی سیاستمداران حزب وحدت با وطن)



این عکس سنگ قبر عبدالعلی مزاری، رهبر حزب وحدت است. مدتی قبل کسی به مزار او رفته و چند قطعه عکس یادگاری از آنجا در فیسبوک شریک ساخته بود.

نوشه سنگ قبر آقای مزاری را خواندم و متوجه کلمه **مغور** در آن شدم. **مغور** همان **مغر** است. ولسوالی مقر ولایت غزنی.

حزب وحدت با آن شاخ و برگ سیاسی، فرهنگی، مدنی و اقتصادی که در جای جای افغانستان در بیست سال گذشته دیده می‌شدند، امروز وقتی به کارنامه‌اش نگاه کنی جز معاش‌خوری و تیکه‌داری تعدادی از رهبران و قومندانان‌شان چیز دیگری نداشته است. در سیاست جمهوری اسلامی افغانستان، حزب وحدت بسیار کم‌ظرف و ناتوان ظاهر شد. آنان نیروی سیاسی بی‌زبان، نادپلومات، بیگانه با بافت‌ها و ساختارهای قدرتمند وطن و بسیار تنبل بودند.

این ناتوانی عوامل زیاد دارد. یکی از عواملش سنت تبعیض علیه مردم هزاره است که در دستگاه سیاست و دیپلماسی افغانستان مدت طولانی تزریق شده و اصلاحش نیز زمان‌گیر است. ولی علت اساسی‌تر آن ناتوانی حزب وحدت در ترک انزوا و آموختن سیاست و فرهنگ وطنی بوده است. آن حزب که رهبری مردم هزاره را انحصار کرده بود، در حاشیه سیاست افغانستان ساخته شد و پس از مدتی که در جنگ‌های خونین و جنایت‌بار کابل به متن آمد، بعد از مزاری دوباره "از جایی که آمده بود به همان‌جا برگشت."

نام یک ولسوالی کشور اگر بر لوح سنگ قبر رهبر سیاسی اشتباه نوشته شود و چند دهه آنجا همان طور بماند، درحالی که پیروانش جوپه جوپه به زیارتش بروند و هر سال چندین رهبر شاخه های حزب بازمانده از او در آنجا سخنرانی کنند، گپ کوچک نیست. نمی توان آن را به بیگانگی وحدتی ها با وطن شان ربط داد. تعداد زیاد رهبران و کادرهای حزب وحدت درمورد کوفه، کربلا و نجف بیشتر از غزنی و قندهار معلومات دارند. در تلفظ نام شهرهای لبنان و فلسطین و ایران خبرتر از تلفظ نام ولسوالی های پکتیا، لوگر و کاپیسا می باشند.

انزوای مردم هزاره در سیاست و اقتصاد افغانستان اول به ناتوانی رهبران شان برمی گردد بعد به کارشکنی حریفان سیاسی. سیاست میدان حریف بازی و رقابت است. مردمی که رهبران شان با جغرافیا، فرهنگ و زبان کشور خود بیگانه باشند، اگر چوکی بگیرند هم سمبولیک خواهد ماند.

هزاره ها باید از زیر چین ملاهای ناآشنا با وطن برآیند و کار سیاست را بومی کنند. این هم به نفع خود مردم هزاره و هم به سود تمام کشور می باشد. مردم خوب پرتلاش و توانائی که می توانند بازوی نیرومند ملت خود شوند، چرا در ترس و انزوا به سر ببرند؟ چرا در وطن خود احساس بیگانگی کنند؟